فرهنگ قرآنى

«احباط» و «تكفير» را از ديدگاه قرآن كريم بيان كنيد؟

كلمه «احباط» از ريشه «حبط» و در لغت به معناى بى‏اثر كردن است و حبط عمل، يعنى بى اثر شدن آن. كلمه «تكفير» از ريشه كفر در لغت به معناى پوشانيدن است.

مشتقات اين دو واژه در قرآن كريم به كار رفته و از دير زمان در علم كلام مطرح بوده است. در اصطلاح علم كلام، «احباط» يعنى ملكف، ثواب پيشين را با گناه بعدى از بين ببرد و «تكفير» يعنى گناهان پيشين با طاعت بعدى پوشانده شود.

اكثر متكلمان معتزلى، طرفدار مسأله احباط و تكفير هستند، ولى از ديدگاه اماميه، «احباط» و «تكفير» مورد پذيرش نيست. اماميه در نفى اين دو موضوع، به دلايل عقلى و نقلى استناد كرده‏اند.1

آن چه شيعه اماميه در مورد احباط و تكفير مى‏گويد، چنين است:

استحقاق آدمى نسبت به پاداش ايمان و عمل نيك و نسبت به كيفر كفر و شرك و كارهاى بد، مشروط است. يعنى ايمان و عمل نيك، در صورتى مايه پاداش مى‏شوند كه در آينده، كفرى به دنبال آن نيايد و يا برخى از گناهان كبيره از آدمى صادر نشود، به طورى كه اگر اين شرط مفقود شد، روشن مى‏گردد كه از روز نخست اين فرد مستحق پاداش نبوده است؛ زيرا خداوند پاداش خود را مشروط كرده بود و چون به اين شرط عمل نشد، مستحق پاداش نگرديد. و نيز شرك، كفر و گناهان، در صورتى مايه كيفر مى‏شوند كه در آينده، ايمان و توبه و برخى از كارهاى نيك، به دنبال آن‏ها نيايند. بنابراين استحقاق كيفر، مشروط است و در صورت تحقق نيافتن شرط، استحقاق كيفرى نيست تا تكفير مطرح شود.

دليل عقلى بطلان احباط و تكفير - به معنايى كه معتزله معتقدند2 - ظلم بودن آن است و دليل نقلى آن، آيات قرآن است، در آيه 7 و 8 سوره زلزال آمده است: «فَمَن يَعمَلْ مِثقالَ ذَرَّةٍ خَيراً يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثقالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ»؛ پس هر كس هم‏وزن ذرّه‏اى، كار خير انجام دهد، آن را مى‏بيند و هر كس هم‏وزن ذره‏اى كار بد كرده، آن را مى‏بيند.

و نيز در آيه 40 و 41 سوره نجم آمده است: «وَ أَنَّ سَعيَهُ سَوفَ يُرى‏\* ثُمَّ يُجزيهُ الْجَزاءَ الأَوْفى‏»؛ به زودى سعى و تلاش او ديده مى‏شود و به صورت كامل‏تر پاداش داده مى‏شود.

برخى از كارهايى كه نبود آن‏ها در استحقاق پاداش ايمان و عمل صالح شرط است، عبارتند از:

1- ارتداد پس از ايمان؛ خداوند در آيه 217 سوره بقره مى‏فرمايد: «وَ مَنْ يَرتَدِدْ مِنكُم عَن دينِه فَيَمُت وَ هُوَ كافِرٌ فَأُولئِكَ حَبِطَتْ أَعمالُهُم فِى الدُّنيا وَ الاخِرَة وَ أُولئِكَ أَصحابُ النّارِ هُم فيها خالِدُونَ»؛ هر كس راه ارتداد را پس از ايمان در پيش گيرد و به همان حالت بميرد، اعمال او در دنيا و آخرت باطل مى‏گردد و آنان براى هميشه در آتش خواهند بود.

2- شرك: در آيه 88 سوره انعام آمده است: «وَ لَوْ أشرَكُوا لَحبِطَ عَنهُم ما كانُوا يَعمَلُونَ»؛ اگر شرك ورزند، آن چه را كه انجام داده‏اند، باطل و بى‏اثر مى‏شود.

3- كفر: خداوند در آيه 105 سوره كهف مى‏فرمايد: «اُولئِكَ الَّذينَ كَفَرُوا بِأَياتِ رَبِّهِم وَ لِقائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمالُهُم فَلا نُقِيمُ لَهُم يَومَ القِيامَةِ وَزْناً»؛ آنان كسانى هستند كه به آيات خدا و روز معاد كفر ورزيده‏اند، پس عمل‏هاى نيك آنان باطل گرديد و روز رستاخيز براى آنان ارزشى قائل نخواهيم شد.

4- بى‏حرمتى نسبت به پيامبر اسلام(صلى‏الله‏عليه‏وآله): در سوره حجرات، آيه 2 آمده است: «يا أيُّها الّذِينَ آمَنُوا لا تَرفَعُوا أصواتَكُم فَوقَ صَوتَ النَّبِىَّ وَ لا تَجهَرُوا لَه بِالقَوْلِ كَجَهرِ بَعضِكُم لِبَعضٍ أَن تَحبِطَ أَعمالُكُم وَ أَنتُم لا تَشْعُرُونَ»؛ اى افراد با ايمان! صداهاى خود را فراتر از صداى پيامبر نبريد و در برابر او بلند سخن مگوييد (داد و فرياد نزنيد)؛ آن گونه كه بعضى از شما در برابر بعضى بلند صدا مى‏كنند، مبادا اعمال شما باطل گردد، در حالى كه نمى‏دانيد.

و...

برخى از كارهايى كه وجود آن‏ها در استحقاق كيفر كفر، شرك و گناهان شرط است، عبارتند از:

1- ايمان به خدا: خداوند در آيه 2 سوره محمد مى‏فرمايد: «وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ أَمَنُوا بِما نُزِّل عَلى مُحَمَّدً وَ هُوَ الحَقُّ مِن رَّبِّهِم كَفَّر عَنهُم سَيِّئاتِهِم وَ أَصلَحَ بالَهُم»؛ آنان كه (به خدا) ايمان آورده و عمل صالح انجام دادند و به آن چه به حق از جانب خداوند بر حضرت محمد نازل گرديده، معتقد شدند، خداوند گناهان آنان را پوشانده و حال آنان را (در دنيا و آخرت) نيكو مى‏سازد.

2- توبه: در آيه 8 سوره تحريم آمده است: «يا أيُّها الَّذينَ آمنُوا تُوبُوا إلى اللّه تَوبةً نَصوحاً عَسى‏ رَبُّكُم أن يُكَفِّرَ عَنكُم سَيِّئاتِكُم و يُدخِلَكُم جَنّاتٍ تَجرى مِن تَحتِها الأنهارُ»؛ اى افرادى كه ايمان آورده‏ايد! صادقانه به سوى خدا توبه كنيد. اميد است خداوند گناهان شما را بپوشاند و در بهشت‏هايى كه از پايين آن‏ها نهرها جارى است، داخل نمايد.

3- هجرت، جهاد و شهادت در راه خدا: در سوره آل عمران، آيه 195 آمده است: «فالَّذين هاجَرُوا وَ أُخْرِجوا مِن دِيارِهم وَ أُوذُوا فى سَبِيلى وَ قاتَلُوا وَ قُتِلوا لأَُكَفِّرَنَّ عَنْهُم سَيِّئاتِهِم وَ لأَُدْخِلَنَّهُم جَنّاتٍ تَجرى مِن تَحتِهَا الأنهارُ ثَواباً مِن عِندِ اللّهِ وَ اللّهُ عِندَهُ حُسْنُ الثَّوابِ»؛ كسانى كه در راه خدا هجرت كردند و از سرزمين خودشان بيرون رانده شدند و در راه من (خدا) مورد اذيت و آزار قرار گرفتند و با دشمنان خدا جهاد نموده و به شهادت رسيدند، گناهانشان را پوشانده و آنان را به بهشت‏هايى كه پايين آن‏ها نهرها جارى است، وارد مى‏كنيم. اين پاداش از جانب خدا است و نزد خداوند پاداش نيكوست.

4- اجتناب از گناهان بزرگ: خداوند در آيه 31 سوره نساء مى‏فرمايد: «إِن تَجتَنِبُوا كَبائِرَ ما تَنهَونَ عَنْهُ نُكَفِّر عَنكُم سَيِّئاتِكُم وَ نُدْخِلْكُم مُدخَلاً كَرِيماً»؛ اگر از گناهان بزرگ اجتناب نماييد، گناهان كوچك شما را مى‏پوشانيم و شما را در جايگاه ارجمندى وارد مى‏كنيم.

و... .2

پى‏نوشت‏ها:

\* مطالب اين بخش از مركز فرهنگ و معارف قرآن اخذ شده است.

1- علامه حلى، كشف المراد، ص 413.

2- از نظر معتزله، امكان ندارد انسان در زمان واحد هم مستحق ثواب و هم مستحث عقاب باشد و ممكن نيست در نامه عمل كسى، همه حسنه و هم سيئه وجود داشته باشد؛ بنابراين اولاً ملاك در ثواب و عقاب، عمل نهايى است كه انجام مى‏شود، اگر خير باشد، تمام گناهان گذشته را مى‏پوشاند و اگر شر باشد، تمام اعمال نيك گذشته را حبط مى‏كند. ثانياً پاداش‏ها و كيفرها با يك ديگر سنجيده مى‏شود و هر طرف كمتر بود، نابود مى‏شود؛ بدون آن كه از طرف بيشتر چيزى كم شود. (شرح المقاصد، سعد الدين تفتازانى، ج 5، ص 142).

3- علامه طباطبايى(ره)، الميزان، ج 2، ص 175 و شيخ طوسى، التبيان، ج 2، ص 208؛ جهت اطلاع بيشتر ر.ك: آيت الله سبحانى، منشور جاويد، ج 8، ص 276-248.